به سوی دولت کریمه

حضرت آیت الله العظمی
حاج آقا لطف الله صافی گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴): به سوی دولت کریمه

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴): به سوی دولت کریمه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : به سوی دولت کریمه/لطف الله صافی گلپایگانی

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری : ۶۴ص

فروست : سلسله مباحث امامت و مهدویت؛ ۱۴

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۵۸-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۰۵۴۹۹

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

ص: ۳

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۴)

به سوی دولت کریمه

حضرت آیت اللّه العظمی

آقای حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

سلسله مباحث امامت و مهدویت

نام کتاب: به سوی دولت کریمه

مؤلف: آیت اللّه العظمی لطف اللّه صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعیدسعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اوّل / بهار ۱۳۹۰

قیمت: ۷۰۰ تومان

شابک: ۱ ۳۰۸ ۹۷۳ ۹۶۴ ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۰۲۵۱ ۷۲۵۳۳۴۰

قم صندوق پستی: ۶۱۷

فهرست مطالب

سخنی با منتظران

برادر و خواهر عزیز که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت و مولای همه، حضرت صاحب الامر مهدی علیه السلام هستی، به یاد آن زمان و آن عصر الهی اشک شوق می ریزی و آرزو می کنی در التزام رکاب آن حضرت به درجه رفیعه شهادت برسی، در روزهای عید فطر و قربان و غدیر و هر روز جمعه دعای ندبه(۱) را عاشقانه با آن شور و سوز و گریه و ندبه می خوانی و با هر وسیله ممکن می خواهی ارتباط خود را با آن حجت خدا، زنده و زنده تر سازی.

درود بر تو و آفرین بر احساسات پاک و تابناک

«ثبّتک اللّه علی هذه الحاله النوریه الروحانیه لقد فزت فوزا عظیما».

عزیزان منتظر! شما که به حقّ، رضای امام زمان ارواحنا فداه را فوز اکبر می دانید، ویژگی هایی که در این نوشتار می خوانید برخی از

۱- دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت حضرت قائم علیه السلام ... منقول است که سنّت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند (یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر). زاد المعاد علاّمه مجلسی رحمه الله ، ط اسلامیه، ص ۴۹۱.

خصوصیات نظام و جامعه ای است که شما منتظر آن هستید؛ هر کس در خط ولایت و انتظار قدم برمی دارد، باید آن ویژگی ها را بشناسد و خودش را با توجّه به آنها، به طوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود، بسازد؛ باید همه این ویژگی ها را دوست داشته و برای تحقق آنها در جامعه و کشور و شهرش تلاش نماید؛ کسانی که به ارزش های ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند، باید در وضع خود تجدید نظر کنند و با گرایش به ارزش های اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار نشان بدهند و با اجرای احکام اللّه و اقامه عدل و قسط و احقاق حقوق و ساده زیستن و حفظ شخصیت اسلامی خود، رضای آن آقای عزیز و موعود انبیا را فراهم نمایند.

«اَللّهُمَّ إِنّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْاءِسْلامَ وَأَهْلَهُ»؛(۱)

«خداوندا ما دولت باکرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن اسلام و اهلش را عزیز گردانی».

یکی از برنامه های مهمّ رسالات انبیا، خصوصا رسالت رسول خاتم صلی الله علیه و آله ، سوق دادن جامعه اسلامی به سوی امّت واحده و دولت عدل جهانی است که این برنامه در متن دعوت اسلام قرار گرفته و به طور حتم و یقین با ظهور حضرت مهدی صلوات اللّه و سلامه علیه این

۱- مفاتیح الجنان، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، دعای افتتاح.

جامعه و حکومت برقرار می شود و دنیا تحت یک نظام و قانون واحد و امت واحده اداره خواهد شد؛ این وعده الهی است که قرآن کریم و احادیث بسیار و متواتر بر آن دلالت و صراحت دارند.

از جمله در سوره توبه آیه ۳۳ و در سوره صف آیه ۹ می فرماید:

«هُوَ الَّذِیآ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»؛

«او (خدا) کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حقّ فرستاد تا اینکه دین حقّ را بر هر دین دیگر غالب نماید».

اهل ادب می دانند: اگر لام در "لیظهره" لام غایب و نهایت باشد، مفاد آیه این است که: این دین حقّ پیش می رود تا خدا آن را به نهایت کمال برساند و بر همه ادیان غالب گرداند. و اگر لام برای تعلیل باشد، باز هم علّت غایی فرستادن پیامبر را که غلبه یافتن دین او بر همه ادیان است، بیان می نماید.

و نیز در همین دو سوره وعده می دهد: تلاش های کفّار که می خواهند با دهان های خود نور خدا را خاموش کنند، نقش بر آب و بی نتیجه خواهد شد و خدا نورش را تمام و کامل می گرداند.

در سوره انبیا، نور، قصص، صافات و سوره های دیگر قرآن، آیات متضمّن وعده و بشارت به این ظهور و این حکومت الهی بسیار آمده است.

و در احادیث معتبر که در جوامع حدیث و صحاح و مسانید شیعه و سنی روایت شده، نیز این وعده به صراحت داده شده است.

در تأکید بر حتمیت این ظهور و اینکه وقوع آن هرچند به تأخیر افتدک تخلّف ناپذیر است، یکی از روایات معروف که اِشعار به امتداد بسیار طولانی زمان قبل از ظهور دارد، به این مضمون است:

«اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن قدر آن را طولانی

و دراز می نماید تا امام موعود ظهور نماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید، چنان که پر از ظلم و جور شده است».(۱)

بـدیهی است: شـخص مؤمن به خـدا و رسول؛ نه وقوع این ظهور را اسـتبعاد می نمایـد؛ چون خداونـد متعال بر هر امری قادر و توانـاست، خـدایی که این عوالم بزرگ و کوچک و این میلیاردها و میلیاردها کهکشان ها و منظومه ها را آفریـده و عجایب و نیروهـایی که در ذرّات این عـالم و اتم هـا خلق کرده است، عقل بشـر را به حیرت انـداخته و کوچک ترین مخلوق او، اندیشـه های همه کاوش گران را به خود مشغول ساخته است، قادر است مقدمات و تمام اسباب این ظهور را فراهم نماید.

و نه در صدق پیامبری که وعده های بسیارش از غیب و آینده جهان و اشخاص به وقوع پیوسته، شکّ و تردید می نماید؛ چون واضـح است زمینه تصـدیق پیغمـبر صـلی الله علیه و آله بعـد از وقوع این همه خبرهـای غیبی قرآن کریم و خود آن حضـرت و امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای کسانی که در

۱- مراجعه شود به مجموعه احـادیث در این مورد به کتـاب «معجم احادیث الامام المهـدی علیه السـلام »، ج ۱، احادیث النبی صلی الله علیه و آله .

بسیاری از این وعده ها، صدق آن حضرت را تجربه کرده و درک نموده اند، به مراتب زیادتر و وسیع تر از آغاز ظهور اسلام و اعلام این وعده هاست. با این حال، مسلمانان مؤمن و روشندل که به آن حضرت ایمان آورده بودند، به وهمه وعده های آن حضرت ایمان محکم داشتند.

توضیحا اضافه می شد: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز بعثت و هنگامی که خودش بود و غیر از فرزند نورسته عمویش ابوطالب، علی علیه السلام و همسر بیداردل و آگاهش خدیجه علیهم السلام که علنا ایمان و همبستگی خود را به او اعلام می کردند، و غیر از ابوطالب که یگانه حامی و پشتیبان و مدافع او بود و ایمان خود را مانند مؤمن آل فرعون کتمان می کرد و کمتر به زبان می آورد، طرفدار و همراه و یار و یاوری نداشت و همه سران کفار و بت پرستان و گردن کشان قریش در برابر او بودند و دعوت او را به مسخره و استهزا می گرفتند و نفوذ او را در یک روستا و یک قبیله باور نمی کردند، در آن هنگام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد که بگویید: "لا إله إلّاللّه" تا مستکبران و ابرقدرت های جهان را از مرکب استکبار و قدرت پیاده کرده و خلع سلاح نمایید و گنج ها و خزاین آنها را انفاق نمایید و ... برای بسیاری غیر از آن چهار نفر (شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوطالب و علی و خدیجه علیهم السلام) این وعده ها از جانب کسی که در شهر و محله خودش در معرض اذیت و آزار است و قوم و قبیله اش با او به شدت به ضدّیت برخاسته و هیچ لشکر و سپاه

و تجهیزات و امکانات مادّی در اختیار نـدارد، باور کردنی و به اصـطلاح امروز واقع بینانه و دوراندیشانه نبود؛ ولی همان مردم دیدند که زمان به سـرعت گذشت و در مدت کوتاه بیست و سه سال عصر رسالت، اسلام مشکلات بسیار بزرگی را یکی پس از دیگری پشت سـر گذاشت، همه اقوام و قبایل را به دین خدا فراخواند و همه فوج فوج به اسـلام گرویدند و عادات ناپسندی که شمشیر و زور هیچ امپراتوری نمی توانست تغییر

دهد متروک و فراموش شد.

زن ها که در آن جامعه ضـد انسانی زنده به گور می شدند، آزاد شدند. ربا و قمار و میگساری و فحشا و آدم کشـی و راهزنی همه منسوخ گردیـد و جـای خود را به اخلاق و روش های انسانی داد و از همه مهم تر و بالاتر؛ کیش بت پرستی که با خون و جان مردم درآمیخته بود، محو و نابود و همه بت ها شکسـته و معدوم گردید و دین توحید، آن دل های سـخت و تیره را نرم و روشن نمود و صدای دلنواز «أشـهد أن لا إله إلاّ اللّه» پرده های شـرک را پاره کرد؛ علاوه بر مکّه و مدینه، تمام شـبه جزیره در قلمرو نظام الهی اسـلام قرار گرفت و دعوت آن حضـرت دل ها را مسخّر نمود و به آینده امیدوار ساخت. پس از آن هم قلمرو نفوذ اسـلام آن گونه گسترش یافت و اسلام دل های مردم هوشمند ایران را که از مظالم نظام استبدادی شاهنشاهی و تبعیضات طبقـاتی به سـتوه آمـده بودنـد، فتـح نمـود و هنوز یـک قرن نگذشـته اسـلام از شـرق تـا دیوار چین و از سوی غرب به دریـای آتلانتیک رسید.

با این رویـدادها، همه صـدق دعوت پیغمبر اعظم صـلی الله علیه و آله و قوّت دعوت و نفوذ رسالت او را که از پشت پرده های ضخیم عـادات و تعصّبات و اخلاق زشت به درون قلوب وارد می شـد و مردم را منقلب و شـیفته و دلباخته اسـلام می ساخت، همواره ظاهر می شد و مسـلمانان با اطمینان به اینکه آتیه روشن و تابناکی در پیش دارند، به جلو می رفتند و از مهالک و انبوه لشکریان تا دندان مسلح ایران و روم و آن همه تشریفات رعب آمیز نمی هراسیدند.

این وقایع که رسول خدا صـلی الله علیه و آله از آن خبر داده بود، صدق دعوت آن حضـرت را بر همگان آشـکار و آشـکارتر ساخت و باورها را به نبوّت و رسالت محکم تر نمود و همه را در انتظار وقوع این وعـده قرآنی که اسـلام بر همه ادیان غالب و حکومت عـدل الهی جهانی برقرار خواهـد شد قرار داد، حصول آن همه وعده ها و وقوع آن همه خبرهای غیبی را همه دیدند؛ حصول این وعده را نیز همگان خواهند دید.ان شاء اللّه

ص: ۱۵

امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود

اشاره

امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود

اشاره

برحسب آنچه از آیات و احادیث استفاده می شود، این ظهور پس از امتحانات شدید و رفتن بسیار به مدد الهی همراه با معجزات و خوارق عادات و آیات بزرگ تحقق می یابد و ویژگی هایی که دارد، اگرچه تمام در ضمن تعالیم اسلام بیان شده است و برخی از آن ویژگی ها را در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشاهده می کنیم؛ ولی فعلیت تمام آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت.

شناخت این ویژگی ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام علیه السلام دارای اصالت و اهمّیت است، تا آنجا که در خبر مشهور بین مسلمین از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می شود:

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، مرده است به مردن جاهلیت».(۱)

و فخر رازی روایت می کند از آن حضرت:

«هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، بمیرد اگر می خواهد یهودی و اگر می خواهد نصرانی».(۲)

۱- غیبت نعمانی، ص ۱۲۹، حدیث ۶.

۲- قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «من مات ولم یعرف إمام زمانه فلیمت إن شاء یهودیا وإن شاء نصرانیا»؛ رساله المسائل الخمسون فخر رازی، ص ۳۸۴، مسأله ۴۷ (این رساله در ضمن کتابی به نام «مجموعه الرسائل» در مصر به سال ۱۳۲۸ ه‍ ق چاپ شده است).

و از نظر اسلام شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسایل مهم دیگر نیز ارزنده و مفید است.

و از این نظر که آن جامعه و آن نظام، جامعه و نظام کامل اسلامی و تمام شرعی است، نظامی الگو و اسوه و معیار و میزان است و جوامع کوچک یا بزرگ، هرچه به آن همانندتر و شباهت بیشتر داشته باشند، مشروعیت بیشتر دارند، شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند، مفید و سودمند است.

و بالاخره از این لحاظ که مؤمنان به آن ظهور و وعده الهی، مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی، چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی شوند و در میان طوفان های شداید و سختی های قوی القلب، باایمان، استوار و محکم، به آینده امیدوار و با قاطعیت به سوی جلو قدم بر می دارند و بر کوشش و تلاش و اقدام خود می افزایند، شایان اهمّیت است.

از همه این جهات و ابعاد دیگر، شناخت این جامعه به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می نماید؛ امّا در این گفتار به این فایده و وظیفه بزرگ نظر و اشارت داریم که چنین جامعه یگانه ای را که انبیای گذشته بشارت آن را داده اند و آیات قرآن مجید و روایات متواتر،

با صراحت به تحقق آن تأکید دارند و آن را اوج کمال اجتماع بشری و نظام عدل کامل الهی معرفی کرده اند.

هرکس که به آن معتقد است، باید به سوی آن گام بردارد و ویژگی های آن را در خود و جامعه متجلّی سازد.

باید فاصله را با آن کم کرد و با تلاش و مجاهده به آن نزدیک و نزدیک تر شد.

باید به شدت پرهیز کنیم از اینکه فاصله ما و جامعه مان با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود و از او دور باشیم.

باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است، ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه ای خود را بسازیم و تلاش نماییم؛ و این است معنای صحیح انتظار.

اصلاً یکی از فواید بزرگ معرفت پیغمبر و امام و یکی از حکمت های گزینش پیغمبر و امام از خود بشر همین است که آنها اسوه باشند و رفتار و روش و سیره آنها علاوه بر گفتار و تعلیمات قولی آنان هم راهنمای زندگی باشد که در قرآن مجید می فرماید:

«لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّه ِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛(۱)

«البته شما را در اقتدا کردن به رسول خدا خیر و سعادت بسیار است».

۱- سوره احزاب، آیه ۲۱.

و هم می فرماید:

«وَلَوْ جَعَلْناهُ مَلَکا لَجَعَلْناهُ رَجُلاً وَلَلَبَسْنا عَلَیْهِمْ ما یَلْبِسُونَ»؛(۱)

«چنانچه فرشته ای نیز به رسالت بفرستیم، هم او را به صورت بشری درآوریم و بر آنان همان لباس که مردمان بپوشند، می پوشانیم».

بلکه در معرفت خداوند متعال که بالذات کمال انسان است و نهایت همه کمالات است و بالاتر از آن کمالی نیست، همین کیفیت برای شخص خداشناس ارزنده است که با معرفت به اسماء الحسنی و صفات علیای الهی، چنان که فرموده اند: «تخلّقوا بأخلاق اللّه»؛ تخلق به این اسما و صفات را وجهه همّت قرار می دهد؛ مثلاً چنان که خداوند ستار العیوب و غفار الذنوب و حلیم و علیم و بخشنده و مهربان و شکور و محسن و ... است، بنده خداشناس و کمال دوست او نیز خود را به این صفات متحلّی می سازد.

معرفت امام وقت و صاحب عصر و ولی امر و آن موعود عظیم الشأن نیز باید همین اثر را داشته باشد و کیمیایی باشد که مس وجود دوست و منتظران او را به طلای اصل و خالص مبدل نماید.

باید در شخص عارف به آن حضرت و سیره و اعمال و برنامه های آن بزرگوار، عملاً علاقه به آن اخلاق و روش ظاهر باشد که از صمیم جان مشتاق حضور و عضویت در آن جامعه موعود باشد.

۱- سوره انعام، آیه ۹.

بنابراین معرفت امام عصر، حضرت مهدی موعود ارواح العالمین له الفداء و شناخت و ویژگی های ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می کند و جامعه ای را که به وجود می آورد، برای ما که در عصر غیبت و عصر امتحان زندگی می کنیم، بسیار سودمند و لازم است.

هم راهنما و خط دهنده است، و هم عامل مهمی در بازداری از خطا و گناه و اخلاق ناپسند، و هم مشوق میل و اقبال به کارهای نیک و عدالت و التزام و احترام به نظامات شرعیه است.

تذکّر لازم

پیش از اینکه به بیان ویژگی های جامعه موعود بپردازیم، این تذکّر لازم است که ویژگی های جامعه جهانی اسلامی، ویژگی های نظام و جامعه اسلامی است که بایـد در جهان برقرار شود و هـدف های بعثت حضـرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است؛ آن جامعه جهانی ادامه تحقق اهداف انقلاب عظیم اسلام است.

آنچه از این ویژگی ها تاکنون تحقق نیافته، یا به طور کامل حاصل نشده است، به واسطه فقدان شرایط خارجی یا موانع است؛ رسیدن جامعه به آن جامعه جهانی، سیر اسلام و دعوت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که این رسالت و دعوت، به آن نقطه کمال و فعلیت اهدافی که داشته و دارد، خواهد رسید.

وما ذلک علی اللّه بعزیز

۱: قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که به وسیله وحی اعلام شده و احدی می تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که

«حلال محمّد صلی الله علیه و آله حلال الی یوم القیامه و حرام محمّد صلی الله علیه و آله حرام الی یوم القیامه».

باید همگان خصوصا هیأت حاکمه در این خط مستقیم با احساس مسؤولیت و تعهد قدم بردارند و هوی و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند، چنان که در حدیث است، از شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله که می فرمایند:

«لا یکون العبد مؤمنا حتی یکون هواه تبعا لما جئت و لا یزیغ عنه به»؛

«بنده ای مؤمن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من آورده ام باشد و از آن مایل نشود».

جلوه های بسیاری از این احساس مسؤولیت و خوف از خدا را در

ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع و حقوق مردم مخصوصا محرومان

و مستضعفان و طبقات به ظاهر پایین اجتماع در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام دنیا مشاهده کرد که در ادای تکالیف و وظایف خود، ذرّه ای کوتاهی ننموده اند؛ لیکن از این مسؤولیت زمامداری به شدّت نگران بوده و می گریستند، و نشان دادند که در نظام اسلام اگر زمامداری تکلیف و وظیفه نبود، هیچ انگیزه ای صاحبان شرعی این مقام را به قبول آن برنمی انگیخت.

در اینجا در رابطه با زمامداری و مدیریت ها در سطوح مختلف، درس های بسیار آموزنده در سیره پیغمبر و امیرالمؤمنین علی علیهما الصلاه و السلام داریم که متأسفانه به خاطر طولانی شدن کلام از بیان آنها معذوریم.

۲: حاکم خلیفه اللّه و امام زمان است

حاکم و رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی مانند نظام مدینه در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، نایب خدا و خلیفه اللّه است که عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حقّ و عدالت، در تصمیمات و عزل و نصب و تصرف در بیت المال الگو و نمونه و آیینه تمام نمای قوانین عدل و قسط اسلام است.

علاّمه حلّی قدس سره (۱) در کتاب الفین، یک هزار دلیل محکم اقامه فرموده است که: امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه باید به آن متّصف و متحلّی باشد و در این امّت برای احدی غیر از فاطمه زهرا و ائمه اثنی عشر علیهم السلام که امامت و خلافت آنها برحسب صدها حدیث معتبر منصوص است قابل اثبات نیست.

و از جمله آیاتی که بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر

۱- شرح حال علاّمه حلّی در تمام کتاب های رجال و تراجم و معاجم مضبوط است.

آن نظام منصوص که یگانه نظام مشروع است بر آن استناد شده است، این آیات است:

«أَفَمَن یَهْدِیآ إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَن یُتَّبَعَ أَمَّن لا یَهِدِّیآ إِلّآ أَن یُهْدی»؛(۱)

«آیا کسی که راه می نماید (مردم را) به سوی حقّ، سزاوارتر است که از او پیروی کنند، یا کسی که خود راه نمی یابد مگر آن که راهنمایی اش کنند».

«هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ»؛(۲)

«آیا یکسانند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند؟!».

«وَإِذِ ابْتَلیآ إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماما قالَ وَمِن ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ»؛(۳)

«(به یاد آور) زمانی که آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند، پس او به انجام رسانید آنها را، خدا گفت: البته من قرار دادم تو را برای مردم پیشوا (در دین). ابراهیم گفت: و از فرزندان من نیز (چنین فرما). خدا گفت: نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران».

بدیهی است مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت اللّه است، به

۱- سوره یونس، آیه ۳۵.

۲- سوره زمر، آیه ۹.

۳- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

کسی اعطا می شود که از همه صالح تر و عالم تر و پاک تر باشد و سوابق سوء و انحراف از حقّ در پرونده زندگی اش ثبت نشده باشد.

در این نظام، در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است و با وجود اصلح و اَلْیَق و اعلم، به صالح و لایق و عالم مقامی اعطا نمی شود.

از خیانت های بزرگ در دایره این نظام، این است که: مقام و منصبی به کسی اعطا شود در حالی که شخص دیگری برای تصدّی آن مقام صالح تر از او باشد، چنان که قبول هر مقام و منصب با علم به صلاحیت و کفایت بیشتر دیگری نیز جایز نیست و در نظام اسلام، هیچ کس خود را به جای صالح تر از خود معرفی نمی کند و نامزد مقامی که صالح تر از او برای آن نامزد شده است، نمی نماید؛ اگر هم به او پیشنهاد کنند، مردم را به اصلح از خود راهنمایی می نماید.

این روشی است که در جوامع کنونی غیر مسلمان دنیا اصلاً دیده نمی شود و در جوامع اسلامی هم به ندرت مشاهده می شود. و در پایان مناسب است به سخن جامع و کامل خلیل بن احمد(۱) اشاره کنیم، که از او پرسیدند: دلیل بر امامت علی علیه السلام بر کلّ امّت چیست؟

۱- در مورد خلیل بن احمد مراجعه شود به لغت نامه دهخدا و تأسیس الشیعه ص ۱۵۰ تا ۱۵۴ و ص ۱۷۸ و ۱۷۹ و نور القبس ص ۵۶ و ۵۷ که در آن کتاب، مؤلف در ضمن ترجمه او، کلام ممتاز دیگری از خلیل بن احمد، در بیان برتری امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر سایر اصحاب و تشاکل با یکدیگر و تفرّد امام علیه السلام به خصائص عالی نقل نموده است.

آن مرد بزرگ این گونه پاسخ داد:

«احتیاج الکل الیه و غنائه عن الکل دلیل علی انّه امام الکل»؛

«محتاج بودن همه به وی (حضرت علی علیه السلام) و بی نیازی او از همه کس، دلیل آن است که او امام و پیشوای همه است».

۳: امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه ای وجود ندارد

امتیازات نژادی و طبقه ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود ملغی و بی اعتبار است؛ در برابر قانون همه با هم برابرند؛ عالم با جاهل، عادل با فاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخصی عادی و متعارف مساوی هستند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و حکم قتل شبه عمد و خطا، دیه است؛ قاتل هرکس که باشد و مقتول هم هرکس باشد، و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلد است؛ سارق و زانی، هرکس و فرزند هرکس و صاحب هر سابقه و وابسته به هرکس و هر فامیل باشد، حکم هرگز تفاوت نخواهد کرد.

این ویژگی جامعه بزرگ اسلامی را در سیره شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید، در این دو جامعه احکام اسلام نسبت به همگان به طور مساوی اجرا می شد، همان طور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار

سفید و بنده در کنار مولی یا در صف مقدم قرار می گرفت، در اجرای

احکـام سیاسـی و انتظـامی نیز به همه به طور مسـاوی نگاه می شـد و حتی به مجالست و معاشـرت با فقرا بیشتر رغبت نشان می دادنـد و آن را عامـل تربیت و توانمنـدی روح و موجب تقرب به خـدا می دانسـتند و به عکس مجـالست بـا اغنیا و توانگران و مرفهان را که نسبت به اسلام و مسلمین و اوضاع اجتماعی بی تفاوت بودند، موجب دل مردگی و سقوط انسان می شمردند.

برحسب قرآن مجید و تفاسیر، ملاء و سران قریش از حضرت تقاضا کردند که از فقرا و طبقات پایین اجتماع فاصله بگیرد؛ زیرا حضور آنهـا را بـا خودشـان خلاـف شأن و اعتبار پوچ خود می دانسـتند، وقتی پیشـنهاد دادنـد که مجلس آنها با مجلس این به اصطلاح اشراف از هم جدا باشد؛ حضرت نپذیرفت و این آیه نازل شد:

«وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدوهِ وَالْعَشِیّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَهَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَلا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَن ذِکْرِنا وَاتَّبَعَ هَویهُ وَکانَ أَمْرُهُ فُرُطا»؛(۱)

«خودت را با آنها که خدا را در بامداد و شامگاه می خوانند و وجه او (قرب رضای او) را می خواهند، شکیبا بدار

۱- سوره کهف، آیه ۲۸.

و چشم هایت را از آنها برنگردان در حالی که خواستار زینت زندگی دنیا باشی، و اطاعت نکن کسی که دلش را از یادمان غافل کرده ایم (و از لذّت یاد خودمان محروم ساخته ایم) و پیروی هوای خود کرده و کارش از حدّ گذشته و در افراط افتاده است».

در احادیث به این مضمون رسیده است که: روزی یک نفر از اغنیا نشسته بود، یکی از فقرا وارد شد و در کنار او نشست. مرد ثروتمند خود را جمع کرد مثل بعضی از اهل رفاه و ثروتمندان زمان ما که از تماس با فقرا و زیردستان و هم نشینی و هم گامی با آنها پرهیز می نمایند و آن را کسر شأن خود می دانند پیغمبر صلی الله علیه و آله از این کار او ناخرسند شده، فرمودند:

«ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد یا از مال و ثروت تو به او چیزی برسد».

مرد ثروتمند از آن موعظه بیدار و هوشیار شد، عرض کرد: به کفّاره این عمل نصف یا تمام مالم را به او بخشیدم.

مرد فقیر نپذیرفت، گفت: می ترسم به من، آن وارد شود که بر تو وارد شده بود.(۱)

یکی از خصایص و فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام این است که

۱- رجوع کنید به اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۱، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل الفقراء المسلمین.

خداوند به او دوستی محرومان و فقرا را عطا کرده بود و آنها هم آن حضرت را دوست می داشتند.

یکی از نمایش های این تساوی، تواضع آن بزرگواران و مظاهر حضور آنها در اجتماع است که هیچ گونه تشریفاتی نداشتند؛ مانند فردی عادی بودند.

در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه از ساده زیستن و زهد و بی امتیازی حکایت دارد. در مقابل، زندگی ارباب جاه و مناصب دنیا و کاخ سفید و کرملین و بوگینکهام و الیزه و همه اختصاصات و تشریفات این کاخ نشین ها و هواپیماهای اختصاصی و خودروهای آن چنانی و هزار و یک امتیاز دیگر را در نظر بگیرید و تعجّب کنید.

آری اینها مردان دنیا و انسان های بی محتوایی هستند که اگر آن تشریفات را نداشته باشند و این جاه و جلال های ظاهری را به رخ مردم نکشند، هیچ کس برای آنها حسابی باز نمی کند؛ امّا مردان خدا و رجال الهی به این ظواهر نیاز ندارند؛ عظمت روح آنها مردم را مسخّر آنها و تحت نفوذ آنها قرار می دهد.

کلام گهربار امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار آموزنده است؛ از خوانندگان خواهشمند است مکرر آن را بخوانند و در آن تأمّل نمایند.

هرگز ارباب قدرت ظاهری و وابستگان به تشریفات، نمی توانند باور کنند که مردی با این ظهور و حضور در صحنه اجتماع بتواند آن

انقلاب بی مانند فکری و سیاسی و اجتماعی را به این استحکام پایه ریزی نماید؛ که امروز پس از هزار و چهارصد سال، راه او همچنان در دنیا زنده و استحکام و استواری اش هر روز بیش از پیش ظاهرتر می شود. این اوصافی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان می نماید اوصاف فریادگر توحید، و آن آورنده قرآن و آن منادی حقّ و عدل و حرّیت؛

یعنی عقل کل و خاتم رسل و شمع سبل حضرت محمّد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله است.

محمّد کازل تا ابد هر چه هست به آرایش نام او نقش بست

چراغی که انوار بینش از اوست فروغ همه آفرینش از اوست

همان فردی که فلاسفه و انسان شناسان جهان همه در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند و با شبلی شمّیل همزبان می گویند:

مِنْ دُونِهِ الْاَبْطالُ فِی کُلِّ الْوَری مِنْ حاضِرٍ أَوْ غآئِبٍ أَوْ آتٍ

آری، علی علیه السلام که از پیش از بعثت و در حال بعثت و بعد از بعثت با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و محرم اسرار و آگاه از پنهان و آشکار او بود، سیره و زندگانی آن حضرت را چنین توصیف می نماید:

«فَتَأَسَّ بِنَبِیِّکَ الْاَطْیَبِ الْاَطْهَرِ صلی الله علیه و آله ... وَلَقَدْ کانَ صلی الله علیه و آله یَأْکُلُ عَلَی الْاَرْضِ وَیَجْلِسُ جِلْسَهَ الْعَبْدِ وَیَخْصِفُ بِیَدِهِ نَعْلَهُ وَیَرْقَعُ بِیَدِهِ ثَوْبَهُ وَیَرْکَبُ الْحِمارَ الْعارِیَ وَیُرْدِفُ خَلْفَهُ...»؛(۱)

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۵۰۰، خطبه ۱۵۹.

«تأسّی کن به پیغمبر خوشبوتر و پاکیزه ترت صلی الله علیه و آله ... بر روی زمین غذا می خورد و مانند برده می نشست و پارگی کفش خود را به دست خود می دوخت و به دست خود جامه اش را وصله می زد و بر مرکب بی پالان سوار می شد و کسی را هم ردیف خود می ساخت...».

در سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز، جلوه های بسیاری است که همه آموزنده است و یاد می دهد که چگونه باید مراقبت داشت از مقام خود، استفاده شخصی هرچند خود اراده نکرده باشد نبرد که این مقام و این منصب الهی باید در راه اطاعت خدا و خدمت به خلق قرار بگیرد.

در یکی از خطبه های نهج البلاغه است که پس از آن سخنان مشحون از علم و حکمت و معرفت، شخصی که تحت تأثیر آن علم بیکران و معارف بی پایان علوی قرار گرفت، زبان به مدح و ثنای آن حضرت گشود و متواضعانه و با تعظیم آن حضرت را مخاطب قرار داد؛ حضرت در بیانات مفصّلی که فرازها و جمله های آن انسان را تکان می دهد به او تذکّر داد که با من با این الفاظ سخن نگویید و این چنین مرا مخاطب نسازید، که من و شما همه بندگان پروردگار و خدایی هستیم که غیر از او خدایی نیست و ... .(۱)

داستان آن مردمانی که به استقبال او آمده و برنامه ای را به احترام آن حضرت انجام دادند، معروف و در نهج البلاغه مذکور است.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶.

حضرت از آنها پرسید: این چه کار و برنامه ای است؟ گفتند: روش و برنامه ای است که به عنوان تعظیم و احترام از امرای خود انجام می دهیم، فرمود:

«وَاللّه ِ ما یَنْتَفِعُ بِهذا أُمَرآؤُکُمْ وَإِنَّکُمْ لَتَشُقُّونَ عَلی أَنْفُسِکُمْ فِی دُنْیاکُمْ وَتَشْقَوْنَ بِهِ فِی آخِرَتِکُمْ، وَما أَخْسَرَ الْمَشَقَّهَ وَرآءَهَا الْعِقابُ وَأَرْبَحَ الدَّعَهَ مَعَهَا الْأَمانُ مِنَ النّارِ»؛(۱)

«سوگند به خدا! حکمرانان شما در این کار سود نمی برند و شما خود را در دنیایتان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می سازید (چون فروتنی برای غیر خدا گناه و مستلزم عذاب است) و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای غیر خدا) که پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) که همراه آن ایمنی از آتش (دوزخ) باشد».

همچنین حکایت است که حضرت علی علیه السلام سواره و در حال حرکت بود، شخصی عرایض و مطالبی را که داشت، به عرض ایشان رسانید، سپس به احترام در رکاب آن حضرت پیاده می رفت؛ امام علیه السلام او را نهی کردند؛ چون برای او ذلّت و برای والی و حاکم فتنه است. بدیهی است که آن حضرت از اینکه تحت تأثیر این برنامه ها قرار بگیرد و این برنامه ها مقام و منصب او را عوض کند، منزّه و مبرّا بود.

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۹۴، حکمت ۳۶.

علی علیه السلام بود که می فرمود:

«وَاللّه ِ لَوْ أُعْطِیتُ الاْءَقالِیمَ السَّبْعَهَ بِما تَحْتَ أَفْلاکِها عَلی أَنْ أَعْصِیَ اللّه َفِی نَمْلَهٍ أَسْلُبُها جُلْبَ شَعِیرَهٍ ما فَعَلْتُهُ وَإِنَّ دُنْیاکُمْ عِنْدِی لاَءَهْوَنُ مِنْ وَرَقَهٍ فِی فَمِ جَرّادَهٍ تَقْضَمُها ما لِعَلِیٍّ وَلِنَعِیمٍ یَفْنی وَلَذَّهٍ لا تَبْقی»؛(۱)

«سوگند به خدا! اگر هفت اقلیم را به هرچه در زیر آسمان های آنها است، به من بدهند؛ برای اینکه خدا را درباره مورچه ای که پوست جوی از آن بربایم تا نافرمانی نمایم، نمی کنم و به تحقیق دنیای شما نزد من پست تر و خوارتر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن را می جود. چه کار است علی را با نعمتی که از دست می رود و خوشی که برجا نمی ماند؟!».

بلکه برای سرمشق به دیگران و به هم نزدیک کردن راعی و رعیت و زمامدار و جامعه این برنامه ها را پیاده می کردند و این سخنان و تذکّرات را می دادند؛ مبادا در جامعه اسلامی کسی را جاه و مقام سست نماید.

خطری که در اسلام به بزرگان و همه صاحبان مقامات و زیردستان از هجوم آن هشدار داده اند، که حتی فرموده اند:

«لَیْسَ شَیْءٌ أَضَرَّ بِالرِّجالِ مِنْ خَفْقِ النِّعالِ»؛

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۷۰۵، خطبه ۲۱۵.

«چیزی ضرر زننده تر به شخصیت ها از صدای کفش مردم که پشت سرشان می روند، نیست».

در این رابطه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که: «کـانَ یَسُوقُ أَصْحابَهُ». ابن اثیر می گویـد: معنـایش این است که حضرت اصحاب خود را جلو می انداخت و از روی تواضع و فروتنی، خودش پشت سر آنها می رفت و احدی را نمی گذارد که پشت سرش راه برود.

در این موضوع سخن بسیار است؛ امّا جهت اینکه سخن از این طولانی تر نشود، به همین اندازه اکتفا می کنیم.

کیست که انـدکی مطالعه در تاریـخ و سـیره پیغمبر و ائمه هـدی علیهم السـلام داشـته باشـد و تفاصـیل بسـیار از این حقایق را نداند؟! اینها که گفتیم، از ویژگی های جامعه اسلامی است که بشریت به طور متعالی در آن جامعه

موعود جهانی به آن خواهد رسید.

۴: حذف تجمّل گرایی

اشاره

در جـامعه جهـانی اسـلام، تجمّل گرایی و افراط در مصـرف و خوش گـذرانی و تکلّف در پـذیرایی ها و مهمانی ها و مراسـم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسکن و ... مطرود است. اموری که در زمان ما عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عواید از هزینه و مخارج است؛ حتی در مراسـمی که برای اموات برگزار می شود، نیز رقابت در پـذیرایی های کمرشـکن رایـج شـده است، به طوری که مصیبت صاحب عزا دوچندان می شود!

در حالی که هزارها جوان دختر و پسـر بی همسـر، به واسـطه فقر از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده محروم هستند و مفاسد اجتمـاعی گونـاگون آن، سـعادت همه جـامعه و امنیت را تهدیـد می نمایـد. ملاحظه می شود که برخی مرفّهان در مجلّل ترین هتل ها مبالغی را صـرف می نماینـد که با آن می شود خانواده هایی را از فقر نجات داد. روشن است وقتی در جامعه این گونه امور افتخار و احترام آفرین باشد، فسادهای بسیار گریبان گیر آن جامعه می شود.

تحریم اسراف و تبذیر و تشویق به اقتصاد و میانه روی، و هدایت

مردم به استفاده های صحیح از مال و سرمایه که موجب استحکام بنیان اجتماع و بی نیازی از بیگانگان می شود و تعالیم بسیار دیگر، همه در کنترل این گرایش مردم به تجمّل پرستی و حفظ اعتدال مؤثر است.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است:

«نَحْنُ مَعاشِرُ الْاَءَنْبیآءِ وَالْاَءَوْلِیآءِ بُرَآءٌ مِنَ التَّکَلُّفِ»؛(۱)

«ما گروه پیغمبران و اولیا از تکلّف بیزاریم».

در سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ساده زیستن و دوری از تجمّلات حکایت های آموزنده بسیار است که با توجّه به آن، نمی توان کسانی را که تجمّلات خانه و اتاق و نیز محلّ کارشان، بسا به میلیون ها بالغ می شود و در انواع تنعّمات خارج از اندازه و غیر لازم؛ و بلکه لغو با وسایل تفریحی و سرگرمی گران بها غرق و غافل زندگی می کنند، به راستی تربیت شده مکتب آن حضرت شمرد.

پیشوا و پیامبری که هنگام بازگشت از سفر، وارد خانه یگانه فرزند عزیزش که از بس او را دوست می داشت، هر وقت از سفری می آمد، اوّل به دیدار او می شتافت و در هنگام عزیمت به سفر آخرین کسی را که با او وداع می کرد، او بود شد و به دیدار او رفت، پرده هایی که بر در خانه دختر عزیزش آویخته بود، مشاهده کرد، از خانه بیرون آمد، وقتی

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۴.

فاطمه زهرا علیهاالسلام آن پرده ها را نزد آن حضرت می فرستند که به اهل صفه و یا فقرا بدهد، خوشحال و مسرور می شود و می فرماید: «فِداها أَبُوها».

معلوم است چقدر به زندگی دور از تکلّفات و ساده اهمّیت می داده است. او همان بزرگواری است که وقتی با آن همه عظمت و شوکت و قدرت مکّه را فتح می کند در حالی که آن لشکر مجهز را که از جهت تجهیزات و نفرات تا آن زمان شبه جزیره به خود ندیده بود زیر فرمان داشت و همه اشراف مکّه افتخار می کردند که از او مانند بزرگ ترین ابرقدرت ها با تشریفات و غذاهای رنگارنگ و سفره های گسترده پذیرایی نمایند؛ در چنین موقعیتی آن بنده خالص و متواضع خدا در آن روز بزرگ و تاریخی، به خانه امّ هانی دختر مکرمه ابوطالب و خواهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام می رود که بر حسب بعض اخبار همان خانه ای است که معراج و عروجش به عالم بالا از آنجا واقع شد وقتی بر او وارد شد و تقاضایی را که او در مورد پناهندگان به خانه اش داشت، پذیرفت و فرمود:

«هَلْ عِنْدَکَ مِنْ طَعامٍ نَأْکُلُهُ؟»؛

«آیا طعامی داری که از آن بخوریم؟»

عرض کرد:

«لَیْسَ عِنْدِی إِلاّ کَسْرَةٌ یابِسَةٌ، وَإِنِّی لاَءَسْتَحِیِی أَنْ أُقَدِّمَها إِلَیْکَ»؛

«غیر از نان پاره های خشک ندارم و من حیا می کنم که با آنها از شما پذیرایی کنم».

فرمود:

«هَلُمِّی بِهِنَّ»؛

«همان نان پاره ها را بیاور».

و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن نان پاره ها را در مقداری آب تریت کرد، امّ هانی

قدری نمک هم حاضر کرد، سپس فرمود:

«هَلْ مِنْ أَدامٍ؟»؛

«آیا نان خورش است؟»

امّ هانی عرض کرد: غیر از مقداری سرکه چیزی حاضر نیست، فرمود: بیاور آن را! سپس آن را بر روی آن نان ها ریخت و از آن میل فرمود، پس از آن، حمد خدای عزّوجلّ را به جا آورد و فرمود:

«نِعْمَ الْاءدامِ الْخَلُّ یا أُمَّ هانِی! لا یَقْفِرُ بَیْتٌ فِیهِ خَلٌّ»؛(۱)

«خوب نان خورشی است سرکه، خانه ای که در آن سرکه باشد، خالی از نان خورش نیست».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز همین سیره و روش را داشت؛ در وقتی که خلافت ظاهری هم در اختیار او قرار گرفت، معاش و لباس و برخورداری های او از دنیا همان بود که همه شنیده و خوانده اید.

روزی احنف بن قیس بر معاویه وارد بود، هنگامی که سفره انداختند، در آن همه رنگ غذا دیده می شد که احنف از آنها تعجب کرد،

۱- معجم صغیر طبرانی، ج ۲، ص ۹۷.

از آن جمله یک رنگ غذایی بود که احنف آن را نشناخت، از معاویه پرسید، در جواب گفت: این روده های مرغابی است که از مغز آن را پر کرده، و با روغن پسته سرخ شده و شکر بر آن پاشیده اند.

احنف به گریه افتاد، معاویه از سبب گریه او پرسید، گفت: به یاد علی علیه السلام افتادم که روزی در خدمت او مشرف بودم، وقتی هنگام افطار شد، از من خواست که در خدمتش باشم، انبانی سر به مهر نزد او آوردند، پرسیدم: در این انبان چیست؟ فرمود: اردی است از سبوس جو. از سر به مهر بودن آن پرسیدم، فرمود: می ترسم حسن یا حسین آن را به روغن مخلوط نمایند.(۱)

علی علیه السلام خودش لباس خود را وصله می زد، وقتی ابن عباس آن حضرت را در حال اصلاح کفش خود دید، به ابن عباس فرمود:

«ما قِیمَهُ هذَا النَّعْلُ؟»؛

«این کفش چقدر قیمت دارد؟»

عرض کرد:

«لا قِیمَهَ لَها»؛(۲)

«بهایی ندارد».

فرمود:

۱- نثر الدرر، به نقل از اصل الشیعه و اصولها از آیت اللّه العظمی کاشف الغطاء.

۲- من عرض می کنم: یا امیرالمؤمنین! قربان خاک راه قنبرت و همه شیعیانت! آن کفش بی قیمت بود، به این معنی که برای آن با جواهرات و اثمان جهان تعیین قیمت ممکن نبود، ای کاش در برابر بذل جان برای من تشرف بوسیدن آن میسّر می شد.

«وَاللّه ِ لَهِیَ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ اِمْرَتِکُمْ إِلاّ أَنْ أُقِیمَ حَقّا وَأُدْفِعَ باطِلاً»؛(۱)

«به خـدا سوگنـد این کفش بی قیمت از امارت و فرمانروایی بر شـما نزد من بهتر است مگر آنکه حقی را به پا دارم یا باطلی را دفع کنم».

یعنی این منصب و مقـام وقتی ارزشـی دارد که صـاحب آن بـا آن اقامه حقّ و دفع باطل نمایـد؛ در جامعه موعود حضـرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز برنامه همین است و سیره آن حضرت همین سیره است، در احادیث آمده است:

«ما لِباسُ الْقآئِمِ علیه السلام إِلاَّ الْغَلِیظُ، وَما طَعامُهُ إِلاَّ الْجَشْبُ»؛(۲)

«لباس حضـرت قائم علیه السلام جز جامه خشن (مثل لباس جنگ) و غذای او جز غذای ناگوار (نان جو ساده و بدون خورش) نیست».

تذکّر و رفع اشتباه

مفهوم این ویژگی هـای جـامه اسـلامی و سـیره هـای حضـرت پیغمبر و ائمه طاهرین علیهم السـلام این نیست که از نعمت های الهی و جمال حیات دنیا که جلوه های آن بسیار است و بی شمار و بر جمال خداوند جمال آفرین

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۲، خطبه ۳۳.

۲- غیبه النعمانی، ص ۲۳۳، باب۱۳، حدیث ۲۰ و منتخب الاثر، ص ۳۰۷، فصل۲، باب۴۲، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

دلالت دارند، نباید بهره گرفت، یا به کار و فعالیت و سعی و عمل و تولید و زراعت و صناعت و علومی که جامعه به آن نیازمند است، نپرداخت و غرایز و استعدادات را حبس و ضایع و معطل نمود و گوشه گیری و کم کاری پیشه کرد. این افکار، افکاری است که اسلام با آن به ضدیّت برخواسته و با تعالیم آن سازش ندارد.

در قرآن مجید می فرماید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّهِ الَّتِيٓ أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ»؛(۱)

«بگو ای پیامبر! چه کسی زینت های خداوند را که برای

بندگانش آفرید و روزی های پاک را حرام کرده است؟!».

و نیز می فرماید:

«يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّباتِ وَاعْمَلُوا صالِحا»؛(۲)

«ای رسولان ما! از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و عمل صالح انجام دهید».

همچنین کار و زحمت و انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی نیازی از دیگران و هدف های عالی تر، مثل رسیدن جامعه مسلمان به خودکفایی و رفع وابستگی اقتصادی به کفّار نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است.

۱- سوره اعراف، آیه ۳۲.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

خدای تعالی در قرآن مجید می فرماید:

«وَللّه ِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِینَ»؛(۱)

«عزّت مخصوص خداوند و پیامبرش و مؤمنین است».

بدیهی است یکی از موجبات مهم عزّت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خودکفایی در همه شعب زندگی است؛ چنان که از عوامل مهم ذلّت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلّت و حفظ آن عزّت، هرچه در امکان دارد تلاش نماید.

حرص و فخر به مال و تجمّل گرایی و حبّ دنیا که سرّ هر گناه است، غیر از کار و عمل به تعطیل نکشاندن قوا و استعداد است؛ و به عبارت دیگر: دنیا را برای دنیا، برای تکاثر و استکبار و استعلا به هر شکل و صورت خواستن، مذموم و ضد ارزش های والای انسانی است؛ امّا دنیاخواهی برای مقاصد صحیح و هدف های مشروع و خودکفایی شخصی و عمومی ممدوح و پسندیده است.

برداشت های نادرستی که از زهد و قناعت و توکّل و دعا و زیارت و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر این گونه اصطلاحات و اعمال مذهبی می شود و بعضی به اصطلاح روشنفکر، آنها را به مذهبی ها نسبت می دهند، هیچ وقت در بین نبوده و سبب ایستایی جامعه و رکون

۱- سوره منافقون، آیه ۸.

و رکـود و غرور نگشـته و عرف اجتمـاع مـذهبی همـه را در جـای خـود شـناخته اسـت و اگر هـم افرادی دیـده شونـد کـه این اصـطلاحات را به مفهوم واقعی آنهـا نشـناخته باشـند، معدودنـد و روی برداشت آنهـا نمی توان داوری کرد، اینها همه در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم خاص خود را دارند.

هدف اسـلام ساختن انسان الهی است، نه انسان مال و نه انسان مقام و نه انسان ماشـین و تکنولوژی و سایر مظاهر مادّی؛ هدف انسانی است که همه اینها را به طور صـحیح و مشـروع به خدمت کمال انسانی خود بگیرد که همه مظاهر زندگی، حتی جنگ او وجهه الهی داشته باشد.

«لِتَكُونَ كَلِمَةَ اللّه ِ هِيَ الْعُلْيا وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلى».

امّا تجمّل گرایی همان است که: هرکس می تواند نظایر آن را در خانه های شـمال بعضـی شهرها و تزئینات ظاهر و داخل آنها ببیند.

حاصل سخن این است که: راه ها مشخص است و عرف مسلمان

معنای لفظ زهد و قناعت و حرص و تکاثر و تجمل و اسـراف و تبذیر و موارد دیگر را تشـخیص می دهد و از مظاهر زندگی و خـانه و ماشـین و لبـاس و مهمـانی و عزا و عروسـی اشـخاص، آن را که حاصـل تربیت اسـلامی و محبوب خـدا است، یا به آن شبـاهت بیشتر دارد، و آن را که به تربیت غیر اسـلامی و قـارون مآبی و طاغوت گرایی شبیه است، می شـناسد؛ و کار و عمل و تلاش و تولید و صنعت و اختراع و کسب های مشروع را با تکاثرهای قارونی و تشریفات طاغوتی اشتباه نمی کند.

البته بایـد پیرامون تمـام این مفـاهیم و جنود عقـل و جهـل و تعلیمات قولی و عملی پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین علیهم السـلام و مواضع آنها در مقامات و مواجهه با جریان ها و جوّهای مختلف، همیشه تعلیم و تعلّم ادامه داشـته باشد و مکتب آموختن از آن بزرگواران باز و مفتوح باشد و ما در اینجا از اطاله بحث بیش از این معذوریم.

۵: امنیت و صلح عمومی

امنیت و صلح واقعی و آرامش از ویژگی های دولت آقا امام زمان روحی لتراب مقدمه الفداء است، خوف ها زایل می شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومت های غیر الهی است از جهان ریشه کن می گردد و حکومت های طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می شود.

از اخبار و روایات استفاده می شود که:

«به واسطه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه راه ها آن قدر امن می شود که احدی حتی ضعیف ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد».(۱)

۱- مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۳۰۸، فصل ۲، باب ۴۳، حدیث ۲.

۶: شکوفایی وضع اقتصادی

در دولت آن حضرت، وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته، نعمت ها فراوان، آب ها مهار، زمین ها آباد و حاصل خیز و معادن ظاهر می شود، تا جایی که دیگر فقیری که از بیت المال چیزی دریافت کند، باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید. و اگر اتفاقا کسی مراجعه کرد، به خود او می گویند: هر اندازه نیاز دارد، دریافت کند، که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می شود و در مقام ردّ آن به خزانه برمی آید؛ ولی از او قبول نمی شود.(۱)

۱- مراجعه کنید به منتخب الاثر، ص ۴۷۳، فصل ۷، باب ۴.

۷: همه خدا را می پرستند

از ویژگی های ممتاز دیگر آن جامعه جهانی این است که همگان موحّد و خدا را به یگانگی پرستش می نمایند و شریکی برای او قرار نمی دهند، او را بی شریک و بی نظیر و واحد و یگانه و یکتا می شناسند.

وحده لا شریک له صفتش و هو الفرد اصل معرفتش

شرک را سوی وحدتش ره نه عقل از کُنه ذاتش آگه نه

هست در وصف کبریا و جلال شرک نالایق و شریک محال

تعالی اللّه یکی بی مثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند

منزه ذات او از چند و از چون تعالی شأنه عما یقولون

بری از ضدّ وندّ وخویش واز کس صفاتش قل هو اللّه احد بس

این یک امتیاز بزرگ و از ویژگی های جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز، همه افراد به آن ممتاز و سرفراز می باشند، همه حقّ را می پرستند و در پرستش حقّ کسی و چیزی را شریک او نمی کنند و توحید خالص و منزّه و پاک از هر شائبه شرک حاکم می شود.

یکی از جامعه شناسان معروف در کتاب خود (تمدن اسلام و عرب) می گوید:

«عقیده به توحید تاج افتخاری است که در میان ادیان بر سر دین اسلام قرار دارد».

هرچند برحسب قرآن مجید، همه انبیا دعوت به توحید داشتند و موحّد بوده اند؛ امّا این جامعه شناس نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید منحرف و گرایش به شرک دارند؛ که اگر دین آنها براساس توحید بوده است، در حال حاضر به واسطه وقوع تحریفات، در این ادیان به شرک گراییده و موحد شمرده نمی شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ثابت و استوارند. و این فقط مسلمان ها هستند که بانگ دل نواز و روح پرور و معراج آفرین توحیدشان در هنگام اذان به گوش جهانیان می رسد و این قرآن، کتاب آسمانی مسلمان ها است که اعلام می کند که همه انبیا به توحید دعوت کرده اند:

«وَلَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّه َ وَاجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ»؛(۱)

«و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (اطاعت) طاغوت دوری کنید».

و می فرماید:

۱- سوره نحل، آیه ۳۶.

«شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحا وَالَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَمُوسی وَعِیسیآ أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَلا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ»؛(۱)

«خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه دعوت می کنی، بسیاری در نظرشان بزرگ می آید».

کلمه توحید، کلمه ای است که هیچ کس بشر را به کلمه ای پربارتر و سازنده تر از آن نخوانده است؛ کلمه اخلاص، کلمه توحید، کلمه آزادی، کلمه برابری و مساوات، کلمه انسان، کلمه زمین و آسمان و کوه ها و دریاها و ستاره ها و کهکشان ها و عرش و کرسی و همه موجودات و همه کلمات است.

کلمه ای بود که از آغاز پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم را به آن دعوت فرمود؛ «قُولُوا لاـ إِلهَ إِلَّا اللّه ُتُفْلِحُوا» و تا پایان هرچه فرمود، تفسیر و تبیین و شرح این کلمه بود؛ کلمه همه آنهایی است که به اسلام گرویدند و خواهند گروید، کلمه اعلام عقیده به توحید و ایمان به خدای یگانه است.

۱- سوره شوری، آیه ۱۳.

قرآن مجید در خطاب به اهل کتاب می فرماید:

«يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّه ‌وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئا وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضا أَرْبابا مِن دُونِ اللّه»؛(۱)

«بیایید به سوی کلمه ای که میان ما و شما مساوی و برابر است؛ یعنی ما و شما و همه را در یک خط و یکسان و مساوی قرار می دهد و آن این است که: پرستش نکنیم مگر خدا را و چیزی را برای او شریک نگیریم».

در اینجا چون می خواهیم ویژگی های جامعه اسلامی را بشناسیم، باید متوجّه باشیم که توحید در عبادت و شریک برای خدا قرار ندادن، به این است که خدا را به عبادتی که شرع دستور داده، یا عبادیت و مناسبت آنها را با عبادت، امضا فرموده است، عبادت کنیم و از انجام این عبادات برای غیر خدا و همچنین اعمالی که مشرکان به عنوان پرستش و عبادت مشرکانه انجام می دادند، اجتناب نماییم؛ چنان که باید از برنامه های عبادی صوفیه و مدعیان دروغین عرفان که از طریق اهل بیت و کتب حدیث نرسیده، به عنوان انجام برنامه و وظیفه و پیروی از سران این طوایف خودداری شود، که این همه مرتبه ای از شرک است. و خلاصه اقتضای توحید این است که در تعالیم قرآن

۱- سوره آل عمران، آیه ۶۴.

و احکام اسلام ذوب شویم و به هیچ جا و هیچ کس و نقطه ای غیر از خدا و پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام توجّه نکنیم، و در کار دین و برنامه های زندگی فقط به آنها اعتماد نماییم؛ ضمنا نباید تعظیم و احترام از شعائر و مشاهد و بیوت و مقامات انبیا و اولیا را که قرآن و سنّت بر جواز و بلکه استحباب بسیار مؤکّد، حتی وجوب آن دلالت دارند با احترام و تعظیم از چیزها و اشخاصی که به خدا استناد ندارند و کتاب و سنّت

آن را تأیید نمی نمایند، اشتباه کرد؛ خانه های انبیا و اولیا و اماکن مقدّسه، از خانه هایی است که باید مورد احترام باشند و در آنجاها خدا یاد شود و تسبیح خدا گفته شود، چنان که آیه کریمه بر آن صراحت دارد:

«فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّه ُ أَن تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیها اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ»؛(۱)

«در خانه هایی، خداوند اجازه داده آنجا رفعت یابد و نام خداوند یاد شود و صبح و شام، تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند».

در روایات، از طریق اهل سنّت است که: ابوبکر از پیغمبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا بیت فاطمه و علی علیهماالسلام از این بیوت است؟ فرمود: از فاضل ترین آنهاست.

نکته دیگری که در اینجا به آن اشاره می کنیم تا اهل انتظار فرج امام علیه السلام به آن هم توجّه داشته باشند، این است که: توحید در عبادت

۱- سوره نور، آیه ۳۶.

مفهوم ابتدایی و شاید مطابقش؛ پرستش نکردن به غیر از خدا و اخلاص در عبادت حقّ تعالی است؛ امّا به نظر وسیع تر: توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمان بری از خداونـد متعال است به گونه ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطـاعت خـدا و به امر خـدا است، از احـدی و مقـامی به عنوان اینکه خود به خود یا طبق نظامات مختلف مسـتحق اطاعت است، اطـاعت ننمایـد؛ زیرا این اسـتحقاق بالـذات و بنفسه برای خـدا ثـابت است و برای غیر خـدا مثـل انبیا و ائمه هـدی علیهم السـلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به طور عام ولایت دارنـد، نیز از این جهت ثابت است. اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طواغیت و سلاطین و هر حاکمی که مأذون من جانب اللّه یا مأذون از جانب مأذون من قبل اللّه نباشد؛ خواه حکومت های اسـتبدادی و فردی یا به اصـطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد، هیچ یک با توحیـد در اطاعت سازگار نیست. و اگر نگوییم: همان شـرک جلی در عبادت، به مفهوم واضـح و مصـداق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحّدین در توحید منافات دارد. و شاید این معنی از این آیه هم استفاده شود:

«وَلَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّه َوَاجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ»؛(۱)

۱- سوره نحل، آیه ۳۶.

«و به تحقیق، ما در میان هر امّتی رسولی را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید».

زیرا ممکن است گفته شود که: چنین استفاده می شود که اجتناب از طاغوت به هر صورت و به هر شکل که اهم آن عبادت و اطاعت او است، مضادّ عبادت خدا است؛ و مثل این آیه نیز ممکن است که به همین معنی دلالت داشته باشد:

«وَما أُمِرُوآا إِلاّ لِيَعْبُدُوا اللّه َ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛(۱)

«امر نشدند مگر اینکه خدا را عبادت کنند در حالی که خالص کنندگان دین و اطاعت برای خدا باشند».

و از این میان، معنای تفسیری که از آیه شریفه ذیل شده است:

«فَمَن كانَ يَرْجُوا لِقآءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحا وَلا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَدا»؛(۲)

«پس هرکس به لقای خداوند امیدوار است، باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد».

ظاهر می شود، که فرموده اند: «وَلا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ»؛ یعنی «لا يُشْرِكْ مَعَ عَلِيٍّ علیه السلام أَحَدا فِي الْخِلافَةِ»؛ نه این است که مراد از ربّ در اینجا، امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد؛ چون اطلاق آن بر غیر خدا نیز جایز است؛

۱- سوره بینه، آیه ۵.

۲- سوره کهف، آیه ۱۱۰.

بلکه مراد از ربّ، همان ربّ حقیقی و خداوند متعال است؛ ولی چون غیر علی علیه السلام را با آن حضرت شریک در امر خلافت و واجب الطاعه دانستن، هیچ گاه در طول اطاعت از خدا و موضوع آن قرار نمی گیرد، و اطاعت از غیر خدا است پس با خلوص توحید خصوصا توحید در عبادت منافات دارد.

و مثل این روایت نیز، مسأله اطاعت از رژیم های مختلف غیر مشروع را اگرچه نظام اکثریت باشد آشکار می سازد.

حبیب سجستانی از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده است که:

خداوند متعال فرموده است:

«لَاُعَذِّبَنَّ کُلَّ رَعِیَّهٍ فِی الْاِسْلامِ دانَتْ بِوِلایَهِ کُلِّ إِمامٍ جآئِرٍ لَیْسَ مِنَ اللّه ِ...»؛(۱)

«البته عذاب می کنم هر رعیت را که در اسلام ملتزم و متدین شود، به ولایت هر پیشوای جائری که از سوی خدا نیست؛ اگرچه آن رعیت در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد...».

خلاصه از آنچه بیان شد، معلوم می شود که در حکومت حقّه امام عصر ارواح العالمین له الفداء و آن جامعه موعود اهداف زیر تحقق خواهد یافت:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، باب فیمن دان اللّه عزّوجلّ بغیر امام من اللّه عزّوجلّ.

اوّلاً: در سراسر جهان خدا پرستش می شود و از شرک اثری باقی نمی ماند.

ثانیا: اطاعت مختص به خدا و نظام الهی اسلامی و ولایت منصوصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می گردد و این بساط های مشرکانه رژیم های گوناگون که همه از مصادیق آیه ذیل می باشند، برچیده می شود:

«إِنْ هِیَ إِلاّ أَسْماءٌ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَآباؤُکُمْ ما أَنزَلَ اللّهُ بِها مِن سُلْطانٍ»؛(۱)

«آنها (لات، عزّی، منات) جز اسم هایی که شما و پدرانتان بر بت ها نامیده اید، نیستند و خداوند هیچ دلیلی بر معبود بودن آنها نازل نفرموده است».

بنابراین از آیه فوق استفاده می شود که: دین و اطاعت خالص برای خدا می گردد و توحید در ولایت و حکومت و سلطنت و مالکیت، همه تحقق می یابد و عالم، عالم ظهور اسماء الحُسنی؛ مانند "هو الولی" و "هو الحاکم" و "هو السلطان" و "هو المالک" می گردد و ایمان همگانی به معنای "له الحکم" و "له الأمر" و "له السلطان" ظاهر می شود؛ البته همه اینها معانی و اموری است که مؤمن به آن ظهور، باید تلاش کند که خودش را مناسب با آنها و با الهام از آنها بسازد و در حدّ ممکن، در جامعه ای که در آن زندگی می کند، آن را پیاده نماید.

۱- سوره نجم، آیه ۲۳.

۸: قسط و عدل جهانی

بارزترین ویژگی های آن جامعه موعود و دولت کریمه، گسترش جهانی قسط و عدل است که در بیش از یک صد خبر به آن تصریح شده است. از جمله در بعض روایات به این لفظ:

«یَمْلاَءُها قِسْطا وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما».

و به این لفظ:

«یَمْلاَءُ اللّه ُ بِهِ الْاءَرْضَ قِسْطا وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما».

و در روایاتی به این لفظ رسیده است:

«بَعْدَ ما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما».

و در بعض دیگر به تقدیم ظلم بر جور.

این الفاظ مشهور و معروف است و علمای علم حدیث شیعه و سنی در احادیث بسیار روایت کرده اند و یکی از احادیث که مانند دیگر احادیثی که به آن اشاره شد، مشهور نیست؛ امّا جالب و شایان توجّه است، این عبارت است:

«یَمْلاَءُ اللّه ُ بِهِ الْاءَرْضَ نُورا بَعْدَ ظُلْمَتِها وَعَدْلاً بَعْدَ جَوْرِها

وَعِلْما بَعْدَ جَهْلِها»؛(۱)

«خدا زمین را به وسیله حضرت مهدی علیه السلام پر از نور و روشنایی می کند بعد از تاریکی و ظلمت آن، و پر از عدل می کند بعد از جور و ستم، و پر از علم و دانایی می کند بعد از جهل و نادانی».

البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که در این حدیث، به آن اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی های برق پیدا می شود، نیست؛ بلکه مقصود تاریکی هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقّه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا می شود.

چنان که مقصود از نور هم نور حسّی نیست؛ بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجدان است.

و همچنین مراد از جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست؛ بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روز به روز رو به افزایش است.

و مراد از علوم، علوم حقیقت و دانایی ها و دانش هایی است که به انسان کمال می بخشد و او را از ظاهر این عالم به باطن آن می رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می گردد.

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۰، باب ۲۴، حدیث ۵؛ منتخب الاثر، ص ۹۲، فصل ۱، باب ۷، حدیث ۲۴.

همانا واقعیت امر این است که از میان بنـدگان خداوند، تنها اهل علم و معرفت، او را عبادت می کنند، چنان که در قرآن مجید می فرماید:

«إِنَّما یَخْشَی اللّه َ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَمآءُ»؛(۱)

«جز این نیست که می ترسند از خدا دانایان از بندگانش».

عـدل و قسط از اموری است که همه افراد بشـر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل می نمایند و بالفطره می خواهند همگان عادل باشـند و به حکم وجـدان خود نمی تواننـد حسن عدل و فضل شـخص عادل را انکار کنند و اگر به زبان هم انکار کنند، در پیشگاه وجدان به فضیلت آن اعتراف دارند.

هدف از فرسـتادن پیامبران و نزول کتاب های آسمانی و قوانین و موازین محکم الهی برپایی امور مردم به قسط است، برحسب این آیه شریفه:

«لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَأَنزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَالْمِیزَانَ لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ»؛(۲)

«به تحقیق پیامبران خود را با ادله روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و میزان عدل را نازل کردیم تا مردم به عدل برپا گردند».

عدل و قسط؛ خواه آنها را مانند دو کلمه مترادف دارای مفهوم واحد

۱- سوره فاطر، آیه ۲۸.

۲- سوره حدید، آیه ۲۵.

بدانیم چنان که بعضی از مفسرین و اهل لغت گفته اند و قسط را مخصوصا در مواردی که به تنهایی استعمال شده است به عدل معنی کرده اند، چنان که ظاهر آن هم همین معنی است؛ و خواه برای آنها خصوصا در مواردی که با هم در کلامی آورده شده باشند معنای مشابه و مرتبط به هم در نظر بگیریم؛ هم شامل اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظامات مالی و اقتصادی و اجتماعی است، و هم شامل عمل به این حقوق و مقررات و تخطی نکردن از آنها، و هم شامل حکم به این نظامات است؛ بنابراین، حاکم عادل آن کسی است که نظاماتی را اجرا می نماید که بر اساس قسط و اعتدال و تناسب مقرر شده باشد.

امّا اگر قانون، ضعیف و ناقص تدوین شده باشد؛ مثل قوانین بشری، به کسی که آن قانون را اجرا می نماید، عادل اطلاق نمی شود. عدل حاکم بدون عدل قانون مفهوم پیدا نخواهد کرد، همان طوری که عدل قانون نیز بدون عدل مجری مثمر ثمر نخواهد شد.

انزال کتاب و میزان در آیه شریفه، اشاره به قوانین کافی و جامعی است که بر انبیا نازل شده و در هر جهت حقوق و مقرراتی که بیان نموده اند، بر اساس قسط است.

در دین اسلام چنان نیست که کسی بتواند بگوید: جایی که دل راضی است، قسط ناخشنود است هرچند قسط را به معنی تعادل در نصیب و سهم بگیریم زیرا قوانین اسلام که به عقیده هر مسلمانی کامل و جهانی است، عدل در سهام و حقوق را رعایت کرده است، هرچند در

بعض موارد نکته آن بر ما یا عدّه ای معلوم نباشد؛ بنابراین هر حاکمی که احکام اسلام را اجرا نماید و هرکسی حکم برطبق موازین اسلامی بدهد، حکمش به عدل است، هم از این جهت که برطبق آن موازینی حکم کرده که مطابق با قسط و عدل بوده؛ و هم از این جهت که خودش در این حکم از قانون خدا منحرف نشده است.

و خلاصه کلام این است که: عدل و قسطی که حضرت ولی عصر، صاحب الزمان عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف جهان را از آن پر می نمایند، معلول اجرای کامل احکام اسلام است که یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است و با اجرای آن، این مظاهر زرق و برق و بی کنترل مترفین و مرفهین از میان می رود و خصوصا امکانات دولتی بیت المال همه در اختیار نیازمندان قرار می گیرد.

به امید آن روز و آن عصر و آن دولت کریمه

در اینجا به علّت طولانی شدن مقاله، از بیان سایر ویژگی های دولت کریمه و جامعه موعود معذوریم، می توانید با مراجعه به کتاب "منتخب الاثر" تألیف حقیر بخش های دیگر از این ویژگی ها را بررسی فرمایید اگرچه در آنجا هم موفّق به استقصای همه ویژگی ها نشده ایم.

در پایان به عرض می رسانم: یکی از علل مهمّی که موجب به وجود آمدن آن جامعه سالم است، تکامل عقول و رشد فکری مردم است که با توجّه به این ویژگی، بسیاری از کمبودها و نواقصی که در اجتماعات کنونی است، مرتفع می شود. تنگ نظری ها و زور و زراندوزی در چنان جامعه وجهه همت همه یا بیشتر افراد نیست، زندگانی آنها در عین حالی که انواع تنعمات در اختیار افراد است، زندگی عقلانی و روحانی و انسانی است، همان اهداف و فضایلی که امروز هم باید شیعیان آن حضرت و منتظران آن دولت به آن آراسته باشند. و اگر این دعا را می خوانند:

«اَللّهُمَّ إِنّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الاْءِسْلامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فِیها مِنَ الدُّعاهِ إِلی طاعَتِکَ»؛

«خداوندا از تو خواستاریم دولتی گرامی که به وسیله آن اسلام

و مسلمین را عزّت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم به سوی اطاعت تو قرار دهی».

عملاً رغبت خود را به برقراری آن دولت و علاقه مندی خود را به عزّت اسلام و ذلّت کفر و نفاق با حضور در صحنه های خدمت به اعلی کلمه اسلام نشان دهند و دعوت به راه خدا و دین خدا را قولاً و عملاً وجهه همّت قرار دهند و طوری خود را بسازند و به قوّت ایمان و صبر و ایثار و جهاد و تلاش بیارایند که از بوته هر امتحان، بی غلّ و غش بیرون آیند تا از آنها باشند که مورد این بشارت بزرگ هستند.

«أُولآئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقّا وَشِیعَتُنا صِدْقا وَالدُّعاهُ إِلی دِینِ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ سِرّا وَجَهْرا».

و هم این بشارت ها شامل حالشان باشد:

«طُوبی لِلْمُتَّقِینَ فِی غَیْبَتِهِ! طُوبی لِلصّابِرِینَ فِی مَحَبَّتِهِ. أُولآئِکَ مَنْ وَصَفَهُمْ فِی کِتابِهِ، فَقالَ: «الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ... أُولآئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»».

وَعَجِّلِ اللّهُمَّ فِی ظُهُورِ مَوْلانا صاحِبِ الزَّمانِ وَاجْعَلْنا مِنْ أَعْوانِهِ وَأَنْصارِهِ. وَآخَرُ دَعْوانا أَنِ الْحَمْدُ للّه ِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

ربیع المولود ۱۴۱۲

لطف اللّه صافی گلپایگانی قم

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹